دعای شریف ابوحمزۀ ثمالی

به همراه ترجمه

توضیح: دعای ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده و در سحرهای رمضان خوانده می‌شود، اما می‌توان آن را در هر زمان دیگری نیز قرائت کرد. در این صفحه، متن دعا همراه با ترجمه روان فارسی ارائه شده است.

شایان ذکر است که هم علامه طهرانی و هم فرزند ایشان، آیت‌الله سید محمد محسن طهرانی، این دعا را شرح داده‌اند. برای دسترسی به شرح، به لینک‌های زیر مراجعه بفرمایید:

[- کتاب شرح فقراتی از دعای ابو حمزه ثمالی – اثر علامه حاج سید محمدحسین حسینی طهرانی رضوان الله علیه](https://maktabevahy.org/Document/Book/Details/42/%D8%B4%D8%B1%D8%AD-%D9%81%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%AA%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%D8%B9%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%A8%D9%88-%D8%AD%D9%85%D8%B2%D9%87-%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C-%D8%AC1)

[سخنرانی های شرح دعای ابو حمزه ثمالی – بیانات آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی رضوان الله علیه](https://maktabevahy.org/Document/Speech/group/10/%D8%A7%D8%A8%D9%88-%D8%AD%D9%85%D8%B2%D9%87-%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C?mode=list&tab=speech)

[کتاب آموزه های معرفت – شرح دعای ابوحمزه ثمالی – آیت الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی رضوان الله علیه](https://maktabevahy.org/Document/Book/Details/100/%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B2%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%D8%AA-%D8%AC-1)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

إِلهي لا تُؤَدِّبْني بِعُقُوبَتِكَ

ای معبود من! مرا با عقوبتت ادب مکن

وَلا تَمْكُرْ بِي فِي حيلَتِكَ

و مرا گرفتار حیله و مَکرت منما

مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

مرا از کجا خیر و صلاح باشد؟! در حالی ‌که جز نزد تو یافت نمی‌شود!

وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النَّجاةُ وَلا تُسْتَطاعُ إِلَّا بِكَ

و مرا از کجا نجات و رستگاری باشد؟! و حال آنکه جز به تو حاصل نمی‌شود!

لَا الَّذي أَحْسَنَ اسْتَغْنى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ

نه آن‌كس كه نيكى می‌كند، از كمک و رحمت تو بی‌نياز است

وَلا الَّذي أَساءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

و نه آن‌كس كه بدى کرده و با تو گستاخی می‌نماید

و تو را از خود راضی نمی‌سازد، از دایرۀ قدرتت بيرون آمده است!

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ... (حتّى ينقطع النّفس)

ای پروردگار من! ای پروردگار من! ای پروردگار من!

(تا آنکه نَفَس قطع شود)

بِكَ عَرَفْتُكَ

من تو را به‌وسیلۀ خودت شناختم

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ

و تو هستى كه مرا به خودت رهنما شدی

وَدَعَوْتَني إِلَيْكَ

و به‌سوى خودت خواندی!

وَلَوْلا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ ما أَنْتَ

و اگر تو نبودی من نمی‌دانستم كه تو چه هستی‏.

الْحَمْدُ للهِ الَّذي أَدْعوُهُ فَيُجيبُني

حمد و ستایش اختصاص به آن خدايى دارد

كه او را می‌خوانم و او فوراً اجابتم می‌کند

وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي أَسْأَلُهُ فَيُعْطيني

هرچند هنگامی که مرا می‌خوانَد، کُندی و سستی می‌کنم!

وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي أَسْأَلُهُ فَيُعْطيني

و حمد و ستایش خدایی را

که از او درخواست می‌کنم و او به من عطا می‌نماید

وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً حينَ يَسْتَقْرِضُنِي

هرچند بخل می‌ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد

وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي أُناديهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتي

و حمد و ستایش خدایی را

که هروقت بخواهم برای رفع حاجتم صدایش می‌زنم

وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفيعٍ

و برای رازونیاز هرجا بخواهم با او خلوت می‌کنم

بی‌آنکه شفیعی در میان باشد

فَيَقْضِي لي حاجَتي

[پس به‌راحتی با او خلوت می‌کنم]

و او حاجتم را برآورده می‌سازد.

الْحَمْدُ للهِ الَّذي لا أَدْعُو غَيْرَهُ

حمد و ستایش خدایی را که غیر او را نمی‌خوانم

وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لي دُعائي

که اگر غیر او را می‌خواندم دعایم را اجابت نمی‌کرد

وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي لا أَرْجُو غَيْرَهُ

و حمد و ستایش اختصاص به خدایی دارد

كه به غیر او امید ندارم

وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجائِي

که اگر به غیرش اميد می‌بستم

ناامیدم می‌نمود

وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي وَكَلَني إِلَيْهِ فَأَكْرَمَني

و حمد و ستایش خدایی را

که حامی و تکیه‌گاه من بود و چنین مرا گرامی داشت

وَلَمْ يَكِلْني إِلَى النّاسِ فَيُهينُوني

و مرا به مردم وانگذاشت تا که خوارم سازند

وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنّي

و ستایش اختصاص به خدایی دارد

که با من محبّت و دوستی ورزید در حالی ‌که از من بی‌نیاز بود!

وَالْحَمْدُ للهِ الَّذي يَحْلُمُ عَنّي

و ستایش خدایی راست

که در برابر خطا و لغزشم بُردباری می‌کند

حَتّى كَأَنّي لا ذَنْبَ لي

تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست!

فَرَبّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدي

پس پروردگار من ستوده‌ترین موجود، نزد من است

وَأَحَقُّ بِحَمْدي

و به ستایش و حمد من سزاوارتر می‌باشد.

أَللّهُمَّ إِنّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً

بارالها! من راه هر خواسته و تقاضایی را به‌سوى تو باز می‌بینم

وَمَناهِلَ الرَّجاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً

و چشمه‌های امید به‌سوی تو را سرشار احساس می‌کنم

وَالاِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مُباحَةً

و یاری جستن از فضل تو را، برای آرزومندانت مباح و آزاد می‌یابم

وَأَبْوابَ الدُّعاءِ إِلَيْكَ لِلصّارِخينَ مَفْتُوحَةً

و درهای دعا و نیایش به‌سوی تو را

برای خروشندگان به درگاهت باز می‌بینم

وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرّاجي بِمَوْضِعِ إِجابَةٍ

و می‌دانم که تو برای امیدواران در محلّ اجابتی

وَلِلْمَلْهُوفينَ بِمَرْصَدِ إِغاثَةٍ

و برای دل‌سوختگان، در کمین نشسته‌ای تا یاری‌شان کنی!

وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلى جُودِكَ وَالرِّضا بِقَضائِكَ

و [می‌دانم که] پناهندگی و استغاثه به جود و کَرَمت

و رضایت‌مندی از قضایَت،

عِوَضاً مِنْ مَنْعِ اْلباخلينَ

بهترین جایگزین است برای مضایقۀ بخیلان

وَمَنْدُوحَةً عَمّا في أَيْدي الْمُسْتَأثِرينَ

و هم گشايش و بی‌نیازی است

از آنچه در دست دنیا‌طلبان است

وَأَنَّ الِراحِلَ إِلَيْكَ قَريبُ الْمَسافَةِ

و [آگاهم که] مسافر به‌سوی تو

راهش کوتاه و مسافتش نزدیک است

وَأَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ

و [می‌دانم که] تو از بندگان خویش در پرده نیستی

إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الأَعْمالُ دُونَكَ

جز آنکه کردار ناشایست،

آنان را از تو [محروم ساخته و] مانع گشته است

وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتي

و همانا من با خواسته‌ام آهنگ تو نمودم

وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحاجَتي

و با حاجتم، به تو روی آوردم

وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتي

و استغاثه و تضرّعم را فقط به درگاه تو قرار دادم

وَبِدُعائِكَ تَوَسُّلِي

و فقط به دعای تو متوسّل شدم

مِنْ غَيْرِ اِسْتِحْقاقٍ لاِسْتِماعِكَ مِنّي

بی‌آنکه شایستگی داشته باشم که به من گوش فرا دَهی

وَلَا اِسْتيجابٍ لِعَفْوِكَ عَنّي

یا بی‌آنکه تو را الزام کنم که از من درگذری!

بَلْ لِثِقَتي بِكَرَمِكَ

بلکه [تو را می‌خوانم] به‌خاطر اعتمادم به کَرَمَت

وَسُكُوني إِلى صِدْقِ وَعْدِكَ

و آرامش و اطمینانی که به درستیِ وعده‌ات دارم

وَلَجَأي إِلَى الْإِيمانِ بِتَوْحِيدِكَ

و پناهی که به ایمان به توحیدت جُستم

وَيَقيني بِمَعْرِفَتِكَ مِنّي أَنْ لا رَبَّ لي غَيْرُكَ

و یقینی که داشتم که تو مرا می‌شناسی که غیر از تو پروردگاری ندارم

وَلا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ

و هیچ معبودی جز تو نیست

وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ

که تو یگانه‌ای، و شریک و انبازی نداری

أَللّهُمَّ أَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ

بارالها! تو چنین فرمودی و گفتارت حق است و وعده‌ات درست

﴿وَ سْئَلوا اللٰهَ‌ مِن‌ فَضلِهِ‌﴾[[1]](#footnote-1) ﴿إنَّ‌ اللٰهَ‌ كٰانَ‌ بِكم‌ رَحيمًا﴾[[2]](#footnote-2)

[که فرمودی:]

﴿از خداوند فضل و بخششش را بخواهید﴾

﴿به‌درستی که خداوند به شما مهربان و رحیم است﴾

وَلَيْسَ مِنْ صِفاتِكَ يا سَيِّدِي أَنْ تَأمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

و ای آقای من، از صفات و منشِ تو نیست

که بندگان را به درخواست امر کنی، و آن‌گاه که از تو بخواهند دریغ ورزی

وَأَنْتَ الْمَنّانُ بِالْعَطِيّاتِ عَلى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ

در حالی ‌که تو با عطای فراوان بر اهل مملکت خویش تفضّل می‌نمایی

وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَأفَتِكَ

و با مهر و رَأفَتَت به آنها توجه می‌کنی.

إِلهي رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ وَإِحْسانِكَ صَغيراً

خدایا! در کودکی مرا در میان نعمت‌ها و احسان خویش پروریدی

وَنَوَّهْتَ بِإِسْمي كَبيراً

و در بزرگی، نامم را گرامی داشتی

فَيا مَنْ رَبّاني فِي الدُّنْيا بِإِحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ

پس اى كسى كه مرا در دنيا با احسان و تفضّل و نِعَم خود پرورید

وَأَشارَ لي فِي الآخِرَةِ إِلى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ

و در آخرت به عفو و بخشش خود نويد داد

مَعْرِفَتي يا مَوْلايَ دَليلي عَلَيْكَ

ای مولای من! شناخت من، راهنمای من به‌سوی توست

وَحُبّي لَكَ شَفيعي إِلَيْكَ

و عشق و محبتم به تو، شفیع من به پیشگاه توست

وَأَنَا واثِقٌ مِنْ دَليلي بِدَلالَتِكَ

و من به این دلیل و راهنمایم [که معرفت من به توست] اطمینان دارم زیرا به پشتوانۀ راهنمایی تو بوده

وَساكِنٌ مِنْ شَفيعي إِلى شَفاعَتِكَ

و قلب من از برای این شفیع آرام است که شفاعتش نزد تو پذیرفته است.

أَدْعُوكَ يا سَيِّدي بِلِسانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ

ای آقای من! تو را با زبانی می‌خوانم که گناه، آن را لال و اَلکَن نموده است!

رَبِّ أُناجيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ

پروردگار من! با قلبی با تو نجوا می‌کنم که جُرم و جنایتش آن ‌را میرانده و هلاک نموده است!

أَدْعوُكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِياً خائِفاً

پروردگارا! تو را می‌خوانم در حالی ‌که هم هراسان و هم مشتاقم، و هم امیدوار و هم ترسانم.

إِذا رَأَيْتُ مَوْلايَ ذُنُوبي فَزِعْتُ

مولای من! چون گناهانم را می‌نگرم، می‌ترسم

وَإِذا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ

و چون کَرَمت را می‌بینم به طمع می‌افتم!

فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ راحِمٍ

پس چنانچه [مرا] ببخشی بهترین رحم‌کنندگانی

وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظالِمٍ

و اگر عذابم نمایی [هرگز] ستم ننموده‌ای!

حُجَّتي يا أَللهُ في جُرْأَتي عَلى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِتْياني ما تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ

خداوندا! حجّتِ من جود و کرم توست که با وجود کارهای زشتم باز جرئت می‌ورزم و از تو درخواست می‌نمایم

وَعُدَّتي في شِدَّتي مَعَ قِلَّةِ حَيائي رَأفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ

و با اینکه حیای من کم است، توشۀ‌ راهم در سختی‌ها، عطوفت و مهربانی توست

وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتي

و امید دارم که در میان این دو و این دو، آرزویم را نومید نسازی

فَحَقِّقْ رَجائي وَاسْمَعْ دُعائِي

پس امیدم را محقّق ساز و دعایم را بشنو

يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ

اى بهترين كسى كه دعاكنندگان او را می‌خوانند!

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ

و اى برترین كسى كه اميدواران به او اميد دارند!

عَظُمَ يا سَيِّدي أَمَلِي وَساءَ عَمَلِي

ای سید و آقای من! آرزویم بسیار است ولی کردارم ناپسند

فَأَعْطِني مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدارِ أَمَلِي

پس، از عفو خویش، به اندازۀ آرزویم عطا کن!

وَلا تُؤاخِذْني بِأَسْوَءِ عَمَلِي

و مرا به بدترین کردارم مؤاخذه نفرما!

فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجازاةِ الْمُذْنِبينَ

زیرا کرمت بیشتر از آن است که بخواهی گنهکاران را مجازات نمایی

وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكافاةِ الْمُقَصِّرينَ

و حلم و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مقصِّرین را مکافات فرمایی

وَأَنَا يا سَيِّدي عائِذٌ بِفَضْلِكَ

و ای آقای من، من به فضل تو پناه ‌آورده‌ام

هارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و از تو، به‌سوی تو گریزانم

مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً

و آن وعده‏اى كه دادى كه بگذرى از گناه آن كسانى كه گمان ‏نيكو به تو دارند، من نسبت به آن وعده، باورمند و پيگير هستم‏

وَما أَنَا يا رَبِّ وَما خَطَري

پروردگارا، من چه هستم و چه جایگاه و ارزشی دارم؟! [که هیچم و به حساب نمی‌آیم!]

هَبْني بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

مرا به فضل خویش ببخش، و با عفوت بر من تصدق نما و منّت گذار!

أَيْ رَبِّ جَلِّلْني بِسَتْرِكَ

ای پروردگار من، پردۀ عفوَت را بر من بپوشان!

وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و به کرامت و بزرگوارى رويَت، از توبيخ من درگذر!

فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلى ذَنْبي غَيْرُكَ ما فَعَلْتُهُ

که اگر امروز غیر تو بر گناهم آگاه می‌شد، آن را مرتکب نمی‌شدم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجيلَ الْعُقُوبَةِ لاَجْتَنَبْتُهُ

و اگر می‌دانستم و می‌ترسیدم که مرا به‌خاطر گناهم فوراً عقوبت می‌نمایی، هرگز گناه نمی‌کردم!

لا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النّاظِرينَ وَأَخَفُّ الْمُطَّلِعينَ

نه از این رو که تو کمترین نظاره‌کنندگان به من و بی‌مقدارترین مطّلعان هستی

بَلْ لِأَنَّكَ يا رَبِّ خَيْرُ السّاتِرينَ

بلکه بدین جهت که تو ای پروردگار من، بهترین پرده‌پوشانی

وَأَحْكَمُ الْحاكِمينَ

و نیکوترین حاکمانی

وَأَكْرَمُ الأَكْرَمينَ

و بزرگوارترین بزرگوارانی

سَتّارُ الْعُيُوبِ

پوشانندۀ عیب‌هایی

غَفّارُ الذُّنُوبِ

آمرزندۀ گناهانی

عَلاّمُ الْغُيُوبِ

دانای نهان‌هایی

تَسْتُرُ الذَّنْبِ بِكَرَمِكَ

گناه را به کرم خویش می‌پوشانی

وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ

و عقوبت را به حلم و بردباری خویش تأخیر می‌اندازی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

[پرودرگارا] پس ستایش مخصوص توست كه با آنكه [گناهم را] می‌دانی، بردبارى مى‏كنى!

وَعَلى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ

و با وجود آنکه قدرت [بر مجازات] داری، می‌بخشی!

وَيَحْمِلُني وَيُجَرَّئُني عَلى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنّي

و آنچه مرا به‌سوی گناه سوق می‌دهد و جرئت می‌بخشد، همانا حِلم و بردباری تو نسبت به من است

وَيَدْعُوني إِلى قِلَّةِ الْحَياءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ

و آنچه مرا به بی‌شرمی می‌خواند، پرده‌پوشی و ستاریّت توست

وَيُسْرِعُني إِلَى التَّوَثُّبِ عَلى مَحارِمِكَ مَعْرِفَتي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظيمِ عَفْوِكَ

و آنچه مرا برای ارتکاب گناهان شتابان می‌کند، همانا آگاهی‌ام به وسعت رحمت تو و بزرگی بخشش توست

يا حَليمُ يا كَريمُ

ای خدای بردبار! و ای آقای کریم!

يا حَيُّ يا قَيُّومُ

ای همیشه زنده! ای قوامِ تمام هستی!

يا غافِرَ الذَّنْبِ

ای آمرزندۀ گناه!

يا قابِلَ التَّوْبِ

ای توبه‌پذیر!

يا عَظيمَ الْمَنِّ

ای آنکه منّت و نعمتش عظیم است!

يا قَديمَ الإِحْسانِ

ای آنکه فضل و احسانت دیرینه است!

أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَميلُ

[بارالها!] کجاست پرده‌پوشی زیبای تو؟!

أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَليلُ

کجاست عفو و آمرزش با جلالت تو؟!

أَيْنَ فَرَجُكَ الْقَريبُ

کجاست فَرَج و گشایش نزدیک تو؟!

أَيْنَ غِياثُكَ السَّريعُ

کجاست فریادرسی سریع تو؟!

أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْواسِعَةُ

کجاست رحمت واسعۀ تو؟!

أَيْنَ عَطاياكَ الْفاضِلَةُ

کجاست عطاهای برتر تو؟!

أَيْنَ مَواهِبُكَ الْهَنيئَةُ

کجاست موهبت‌های گوارای تو؟!

أَيْنَ صَنائِعُكَ السَّنِيَّةُ

کجاست لطف‌های والای تو؟!

أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظيمُ

کجاست فضل و کرم عظیم تو؟!

أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسيمُ

کجاست عطای بسیار و چشم‌گیر تو؟!

أَيْنَ إِحْسانُكَ الْقَديمُ

کجاست احسان دیرینۀ تو؟!

أَيْنَ كَرَمُكَ يا كَريمُ

کجاست کرم تو، ای کریم؟!

بِهِ \*\*\*وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ\*\*\* فَاسْتَنْقِذْني

به حقّ کرمت و به حقّ محمد و آل محمد، پس نجاتم دِه!

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْني

و به حقّ رحمتت پس رهایی‌ام بخش!

يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ

ای احسان‌کننده و ای زیبا‌کردار!

يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ

ای نعمت‌دهنده و ای خدای با فضل و کرم!

لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجاةِ مِنْ عِقابِكَ عَلى أَعْمالِنا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا

من برای نجات از کیفرت به اعمالمان تکیه و اعتمادی ندارم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم!

لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

چرا که تو سزاواری که خلق از تو [و کیفرت] بترسند و همچنین تو سزاوار بخششی!

تُبْدِئُ بِالإِحْسانِ نِعَماً

نعمت‌ها را با احسان خود بر ما شروع می‌کنی

وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً

و با بزرگواری از گناهان درمی‌گذری

فَما نَدْري ما نَشْكُرُ

بنابراین نمی‌دانیم که شکر کدامین نعمتت را به‌‌جا آوریم؟

أَجَميلَ ما تَنْشُرُ

آیا بر زیبایی‌هایی که منتشر می‌نمایی شکر گوییم؟

أَمْ قَبيحَ ما تَسْتُرُ

یا بر زشتی‌هایی که می‌پوشانی؟

أَمْ عَظيمَ ما أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ

یا بر نعمت‌های عظیمی که برای آزمایش ما بخشیدی و عطا نمودی؟

أَمْ كَثيرَ ما مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعافَيْتَ

یا به‌خاطر بلاهای بسیاری که ما را از آن‌ها نجات‌دادی و عافیت بخشیدی؟

يا حَبيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ

ای محبوب دلِ آن کسی که به تو محبت ورزید!

وَيا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ

و ای روشنیِ چشم کسی که به تو پناه آورد، و از همگان بُرید و به‌سوی ‌تو آمد!

أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسيؤونَ

تو نیکوکار و احسان‌کننده‌ای و ما بدکار و گنهکار!

فَتَجاوَزْ يا رَبِّ عَنْ قَبيحِ ما عِنْدَنا بِجَميلِ ما عِنْدَكَ

پس ای پروردگار من، به خوبی و زیبایی آنچه نزد توست، از زشتی‌های ما درگذر!

وَأَيُّ جَهْلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جُودُكَ

[بارالها!] و کدامین جهالت و بدکاری است که وسعت کرم و جود تو نمی‌تواند آن را شامل شود؟!

أَوْ أَيُّ زَمانٍ أَطْوَلُ مِنْ أَناتِكَ

و کدامین زمان بیشتر از صبر و مهلت توست؟!

وَما قَدْرُ أَعْمالِنا في جَنْبِ نِعَمِكَ

و اعمال ما در برابر نعمت‌های تو چه ارزشی دارد؟!

وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ

و چگونه اعمال خود را در برابر کرم (بی‌منتهای) تو بسیار بدانیم؟!

بَلْ كَيْفَ يَضيقُ عَلَى الْمُذْنِبينَ ما وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ

بلکه چگونه عرصه بر گناهکاران تنگ شود، با وجود رحمتت که آنها را احاطه نموده است؟!

يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ

ای کسی که رحمتش بسیار وسیع است!

يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

ای کسی که دو دست [جمال و جلال] خویش را به رحمت گشوده است!

فَوَعِزَّتِكَ يا سَيِّدي

پس قَسَم به عزتت ای آقای من

لَوْ نَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ

حتی اگر مرا از خود برانی، از درگَهَت به جایی نمی‌روم

وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از تملّق و لابه‌گری به پیشگاهت دست برنمی‌دارم

لِمَا انْتَهى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرِمَك

زیرا می‌دانم که تو اهل جود و کَرَم هستی

وَأَنْتَ الْفاعِلُ لِما تَشاءُ

و تو هر آنچه اراده کنی انجام می‌دهی

تُعَذِّبُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ

عذاب مى‏كنى هركس را كه بخواهى،

به هر مقدار كه بخواهى، به هر كيفيت كه اراده كنى‏

وَتَرْحَمُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ

و رحم مى‏كنى بر هركس كه بخواهى،

به هر مقدار كه بخواهى، به هر كيفيت كه اراده كنى‏

لا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ

از آنچه می‌کنی بازخواست نمی‌شوی

وَلا تُنازَعُ في مُلْكِكَ

و در مُلک و پادشاهى منازع و رقیبی نداری

وَلا تُشارَكُ في أَمْرِكَ

و در امرت شریکی نداری

وَلا تُضادُّ في حُكْمِكَ

و در حکم و فرمانت مخالفی نداری

وَلا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ في تَدْبيرِكَ

و در تدبیر امور احدی نتواند با تو معارضه کند

لَكَ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ

عالَم خلق و عالَم امر (ملکوت) هر دو در دست توست

تَبارَكَ اللهُ رَبُّ الْعالَمينَ

پاک و مقدّس است خدایی كه پروردگار عالميان است‏.

يا رَبِّ هذا مَقامُ مَنْ لاذَ بِكَ وَاسْتَجارَ بِكَرَمِكَ

پروردگارا، این جایگاه کسی است که به تو پناه آورده‌ است،

و به لطف و کرامتت پناهنده گشته

وَأَلِفَ إِحْسانَكَ وَنِعَمَكَ

و با احسان و نعمت‌های تو خو گرفته است

وَأَنْتَ الْجَوادُ الَّذي لا يَضيقُ عَفْوُكَ

و تو آن سخاوتمندی هستی که عفو و بخششت کم نیاید

وَلا يَنْقُصُ فَضْلُكَ

و فضل تو کاهش نیابد

وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ

و رحمتت کم نگردد

وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَديمِ

و همانا ما به عفو و بخشش قدیم تو وثوق پیدا کرده و چنگ زده‌ایم

وَالْفَضْلِ الْعَظيمِ وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ

و به فضل عظیم و رحمت واسعه‌ات.

أَفَتُراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا

پس ای پروردگار من،

آیا ممکن است که برخلاف حُسن‌ ظنّی که به تو داریم رفتار کنی؟!

أَوْ تُخَيِّبُ آمالَنا

یا آرزوهای ما را ناامید سازی؟!

كَلّا يا كَريمُ

هرگز! ای [خدای] کریم!

فَلَيْسَ هذا ظَنُّنا بِكَ

که چنین گمانی به تو نمی‌بریم

وَلا هذا فيكَ طَمَعُنا

و چنین توقع و انتظاری از تو نداریم

يا رَبِّ إِنَّ لَنا فيكَ أَمَلاً طَويلاً كَثيراً

پروردگارا، ما به حضرتت آمال و آرزوی دراز داریم

إِنَّ لَنا فيكَ رَجاءً عَظيماً

و ما به پیشگاه تو امید بسیار داریم

عَصَيْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنا

از تو نافرمانی‌ کردیم، ولی امید داریم که بر ما پرده‌پوشی کنی و ببخشایی

وَدَعَوْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجيبَ لَنا

و تو را خواندیم و امید داریم که ما را اجابت نمایی

فَحَقِّقْ رَجاءَنا مَوْلانا

پس ای مولای ما، امیدمان را محقق ساز!

فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمالِنا

زیرا با این اعمال تحقیقاً خود می‌دانیم که سزاوار چه هستیم

وَلكِنْ عِلْمُكَ فينا وَعِلْمُنا بِأَنَّكَ لا تَصْرِفُنا عَنْكَ

ولیکن علم تو به احوال ما

و علم ما به اینکه ما را از درگاهت ناامید برنمی‌گردانی،

وَإِنْ كُنّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبينَ لِرَحْمَتِكَ

هرچند مستوجب و سزاوار رحمت تو نبودیم

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنا وَعَلَى الْمُذْنِبينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

چرا که تو سزاوار آنی که با فضل بی‌انتهایت بر ما و بر گنهکاران جود نمایی

فَامْنُنْ عَلَيْنا بِما أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنا

پس به آنچه تو سزاوار آنی بر ما منّت بگذار و بر ما جود نما

فَإِنّا مُحْتاجُونَ إِلى نَيْلِكَ

زیرا ما به عطای تو محتاجیم

يا غَفّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنا

ای آمرزنده، ما به‌وسیلۀ نور تو هدایت شدیم

وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنا

و به‌وسیلۀ فضل تو بی‌نیاز گشتیم

وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنا وَأَمْسَيْنا

و با نعمت تو روز و شب را گذراندیم

ذُنُوبُنا بَيْنَ يَدَيْكَ

گناهان ما پیش روی توست

نَسْتَغْفِرُكَ الّلهُمَّ مِنْها وَنَتُوبُ إِلَيْكَ

خداوندا، از گناهانمان از تو پوزش می‌طلبیم و به‌درگاهت توبه می‌کنیم

تَتَحَبَّبُ إِلَيْنا بِالنِّعَمِ وَنُعارِضُكَ بِالذُّنُوبِ

با نعمت‌های خود با ما محبت می‌ورزی ولی در عوض،

ما با گناه پاسخ می‌دهیم

خَيْرُكَ إِلَيْنا نازِلٌ وَشَرُّنا إِلَيْكَ صاعِدٌ

از تو به‌سوی ما خیر و برکت نازل می‌شود

و از ما به‌سوی تو شر و بدکرداری بالا می‌رود

وَلَمْ يَزَلْ وَلا يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَأْتِيكَ عَنّا بِعَمَلٍ قَبيحٍ

همواره فرشته‌ای ارجمند کارهای زشت ما را برای تو می‌آورَد

فَلا يَمْنَعُكَ ذلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنا بِنِعَمِكَ

ولی تمام اینها مانع نمی‌شود که ما را غرق نعمت‌های خویش نمایی

وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلائِكَ

و با عطای خویش بر ما تفضّل نمایی

فَسُبْحانَكَ ما أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ

پس چقدر منزّه و پاکی، و چقدر بردبار و چقدر بزرگی!

وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعِيداً

و چقدر کریمی! هم در آغاز ابتدا به نیکی نمودی و هم به لطف و کرامت باز می‌گردی و مدد می‌نمایی

تَقَدَّسَتْ أَسْماؤكَ

پاک و مقدّس است نام‌های تو

وَجَلَّ ثَناؤُكَ

و جلیل و بزرگ است ستایش تو

وَكَرُمَ صَنائِعُكَ وَفِعالُكَ

و نیکو و ارجمند است آثار و افعال تو

أَنْتَ إِلهي أَوْسَعُ فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً

ای خدای من! فَضلت وسیع‌تر و بردباری‌ات عظیم‌تر از آن است

مِنْ أَنْ تُقايِسَني بِفِعْلي وَخَطيئَتي

که مرا به کردار و خطاهایم بسنجی!

فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ

مرا ببخش، مرا ببخش، مرا ببخش!

سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي

آقای من، آقای من، آقای من!

أَللّهُمَّ اشْغَلْنا بِذِكْرِكَ

خداوندا، ما را به یاد خودت مشغول کن

وَأَعِذْنا مِنْ سَخَطِكَ

و از خشمت پناهمان ده

وَأَجِرْنا مِنْ عَذابِكَ

و از عذابت در اَمانمان بدار

وَارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ

و از موهبت‌های خود ما را روزی‌ بده

وَأَنْعِمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل خویش بر ما اِنعام نما

وَارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

و زیارت و حجّ خانه‌ات و زیارت قبر پیغمبرت را روزی ما کن

صَلَواتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ وَرِضْوانُكَ عَلَيْهِ وَعَلى أَهْلِ بَيْتِهِ

صلوات و رحمت و مغفرت و رضوان تو بر او و بر اهل‌بیت او باد

إِنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ

که تو نزدیکی و اجابت می‌نمایی

وَارْزُقْنا عَمَلاً بِطاعَتِكَ

و عمل به طاعت خود را روزی ما فرما

وَتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِكَ

و ما را بر آیین خود بمیران

وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و بر سنّت پیغمبرت صلّی‌اللَـه‌‌علیه‌وآله از این دنیا ببَر.

أَللّهُمَّ اغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ

خداوندا، مرا ببخش و پدر و مادرم را بیامرز

وَارْحَمْهُما كَما رَبَّياني صَغيراً

و بر آنان رحم نما، همان‌گونه که در کودکی مرا پرورش دادند

إِجْزِهما بِالإِحْسانِ إِحْساناً

احسانشان را با احسان و نیکی پاداش بده

وَبِالسَّيِّئاتِ غُفْراناً

و بدی‌هایشان را با مغفرت خویش پاسخ ده

أَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ

خداوندا، مؤمنین و مؤمنات را بیامرز

الأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالأَمْواتِ

زندگان آنان و مردگانشان را

وَتابِعْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْراتِ

با خیراتمان بین ما و ایشان پیوند قرار بده

أَللّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنا وَمَيِّتِنا

خداوندا بیامرز زنده‌ها و مُرده‌های ما را

وَشاهِدِنا وَغائِبِنا

و حاضران و غایبان ما را

ذَكَرِنا وَأُنْثانا

مردان و زنان ما را

صَغيرِنا وَكَبيرِنا

کوچک و بزرگمان را

حُرِّنا وَمَمْلُوكِنا

آزاد و بندۀ ما را

كَذَبَ الْعادِلُونَ بِاللهِ

دروغ گفته‌اند آنان‌که برای خدا عِدل و نظیری قائل‌اند

وَضَلُّوا ضَلالاً بَعيداً

و در گمراهی دُورودرازی گرفتار شده‌اند

وَخَسِرُوا خُسْراناً مُبيناً

و دچار خسارتی آشکار گشته‌اند

أَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا! درود بى‏پايان خود را بر محمّد و آل محمّد بفرست

وَاخْتِمْ لي بِخَيْرٍ

و عاقبت امر مرا ختم به خير كن‏

وَاكْفِنِي ما أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَآخِرَتِي

و تمام امر مهمّ دنیا و آخرت مرا خودت متکفل شو

وَلا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لا يَرْحَمُني

و کسی را که بر من رحم نمی‌کند بر من مسلّط مساز

وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ واقِيَةً باقِيَةً

و بر من از سوی خود نگهدارنده‌ای همیشگی قرار ده

وَلا تَسْلُبْني صالِحَ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و نعمت‌های صالحی را که به من دادی از من نگیر

وَارْزُقْني مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً

و از فضل خود به من رزق واسع و حلال و پاکیزه، روزی فرما

أَللّهُمَّ احْرُسْني بِحَراسَتِكَ

خداوندا! با پاسداری خود از من مراقبت کن

وَاحْفَظْني بِحِفْظِكَ

و در سایۀ حفظ خویش، مرا محافظت فرما

وَاكْلأْنِي بِكَلاءَتِكَ

و مرا در پناه حمایت خود درآور

وَارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ

و زیارت و حجّ خانه‌ات را روزی‌ام کن

في عامِنا هذا وَفي كُلِّ عام

در این سال و در هر سالی که در پیش دارم

وَزِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ

و بر زیارت قبر پیغمبرت و ائمه علیهم‌السلام موفّق فرما

وَلا تُخْلِني يا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشاهِدِ الشَّريفَةِ وَالْمَواقِفِ الْكَريمَةِ

بار پروردگارا، و مرا از آن مَشاهد مشرّفه و اماکن ارجمند محروم و بی‌نصیب نگردان

أَللّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتّى لا أَعْصِيَكَ

خداوندا به من توبه‌ای عطا کن که دیگر هرگز مرتکب معصیت تو نشوم

وَأَلْهِمْنِيَ الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ

و در شب و روز، خیر و عمل به خیر را به من الهام کن

وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ ما أَبْقَيْتَني

و ترس از تو را به من الهام فرما، تا آن زمان که مرا زنده ‌می‌داری

يا رَبَّ الْعالَمينَ

ای که تمام عالمیان تحت تربیت تو هستند

أَللّهُمَّ إِنّي كُلَّما قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ

خداوندا، مرا چه شده که هرگاه با خود می‌گویم: «اکنون آماده و مهیا گشته‌ام

وَقُمْتُ لِلصَّلاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَناجَيْتُكَ

و بر آنم که در پیشگاه تو به نماز ایستم و با تو به راز‌ونیاز بپردازم»،

أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعاساً إِذا أَنَا صَلَّيْتُ

چون به نماز ایستادم، خواب را بر من چیره کردی؟

وَسَلَبْتَني مُناجاتَكَ إِذا أَنَا ناجَيْتُ

و چون به رازونیاز با تو پرداختم، حال مناجات را از من گرفتی؟

ما لِي كُلَّما قُلْتُ قَدْ صَلُحَتْ سَريرَتي

مرا چه شده که هروقت با خود گفتم: «[الحمدللـه] باطنم صالح و شایسته شده

وَقَرُبَ مِنْ مَجالِسِ التَّوّابينَ مَجْلِسي

و به جایگاه توبه‌کنندگان نزدیک شده‌ام»،

عَرَضَتْ لي بَلِيَّةٌ أَزالَتْ قَدَمي

برای من ابتلایی پیش می‌آید که پایم را می‌لغزاند

وَحالَتْ بَيْني وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ

و مرا از خدمت به تو مانع می‌شود؟

سَيِّدي لَعَلَّكَ عَنْ بابِكَ طَرَدْتَني

سرورم! نمی‌دانم، شاید مرا از درگاه لطف خود رانده‌ای!

وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَني

و از خدمت و بندگی‌ات برکنارم کرده‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَني

یا شاید دیده‌ای که من حقّ تو را سبک شمرده‌ام، پس مرا از خویش دور ساخته‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني مُعْرِضاً عَنْكَ فَقَلَيْتَني

یا که شاید مرا از خودت روی‌گردان دیدی، پس مرا مبغوض و دشمن داشتی

أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَني في مَقامِ الْكاذِبينَ فَرَفَضْتَني

یا شاید مرا در جایگاه دروغ‌گویان یافتی، پس مرا طرد نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني غَيْرَ شاكِرٍ لِنَعْمائِكَ فَحَرَمْتَني

یا شاید مرا نسبت به نعمت‌هایت ناسپاس دیدی، پس محرومم ساختی!

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَني مِنْ مَجالِسِ الْعُلَماءِ فَخَذَلْتَني

یا که شاید مرا در مجالس علما نیافتی، پس مرا ذلیل و خوار نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني فِي الْغافِلينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي

یا شاید مرا در زمرۀ غافلان دیدی پس از رحمت خویش ناامیدم کردی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني آلِفَ مَجالِسِ الْبَطّالينَ فَبَيْني وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَني

یا شاید مرا دَمخور مجالس هرزگان دیدی، پس مرا با آنان واگذاشتی!

أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعائي فَباعَدْتَني

و یا شاید دوست نداری دعای مرا بشنوی، پس مرا از خود دور نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمي وَجَريرَتي كافَيْتَني

یا شاید به‌خاطر جرم و گناهم مکافاتم کرده‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيائي مِنْكَ جازَيْتَني

یا به‌سبب بی‌حیایی‌ام نسبت به تو مجازاتم نموده‌ای!

فَإِنْ عَفَوْتَ يا رَبِّ فَطالما عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبينَ قَبْلي

حال اگر بر من گناهانم را ببخشایی، [این عفو تو همیشه بوده] و چه بسیار که گنهکاران پیش از من را نیز بخشیده‌ای

لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكافاةِ الْمُقَصِّرينَ

زیرا کرمت ــ ای پروردگار من ــ از عقوبت اهل تقصیر بسیار بزرگ‌تر است

وَأَنَا عائِذٌ بِفَضْلِكَ هارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و من به فضل و کرمت پناه مى‏برم و از تو به‌سوی تو گریزانم

مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً

و تو وعده داده‌ای که از آنان که به تو گمان نیکو دارند درگذری، و من به این وعده‌ات باورمندم و چشم انتظار تحقق آن هستم.

إِلهي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقايِسَني بِعَمَلي

بارالها! فضل و کرمت وسیع‌تر است و بردباری تو والاتر و بزرگ‌تر از آن است که مرا به عملم بگیری و به کردارم بسنجی!

أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّني بِخَطِيئَتي

یا به‌خاطر خطایم بلغزانی!

وَما أَنَا يا سَيِّدي وَما خَطَري

آقای من! من چه هستم؟! و چه اهمیتی و ارزشی دارم؟! [که من هیچم به حساب نمی‌آیم!]

هَبْني بِفَضْلِكَ سَيِّدي

سرور من! به فضل و کرم خویش مرا ببخش!

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و با عفوت بر من تصدق نما و منت گذار!

وَجَلِّلْني بِسَتْرِكَ

و با پردۀ عفوت [عیب‌های] مرا بپوشان!

وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و به روی با کرامتت و سیمای با جلال و جمالت، از توبیخ من درگذر!

سَيِّدي أَنَا الصَّغيرُ الَّذي رَبَّيْتَهُ

سرورم! من آن کوچکی هستم که پرورش دادی

وَأَنَا الْجاهِلُ الَّذي عَلَّمْتَهُ

و من آن نادانی هستم که تو علمش آموختی

وَأَنَا الضّالُّ الَّذي هَدَيْتَهُ

و من آن گمراهی هستم که هدایتش نمودی

وَأَنَا الْوَضيعُ الَّذي رَفَعْتَهُ

و من آن پَستی هستم که تو او را رفعت بخشیدی

وَأَنَا الْخائِفُ الَّذي آمَنْتَهُ

و من آن ترسانی هستم که او را امنیت و آرامش بخشیدی

وَالْجائِعُ الَّذي أَشْبَعْتَهُ

و آن گرسنه‌ای هستم که تو سیرش نمودی

وَالْعَطْشانُ الَّذي أَرْوَيْتَهُ

و آن تشنه‌ای هستم که تو سیرابش نمودی

وَالْعاري الَّذي كَسَوْتَهُ

و آن برهنه‌ای هستم که تو بر او لباس پوشاندی

وَالْفَقيرُ الَّذي أَغْنَيْتَهُ

و آن فقیری هستم که تو بی‌نیازش نمودی

وَالضَّعيفُ الَّذي قَوَّيْتَهُ

و آن ناتوانی هستم که تو او را نیرو بخشیدی

وَالذَّليلُ الَّذي أَعْزَزْتَهُ

و آن خوار و ذلیلی هستم که تو عزّتش دادی

وَالسَّقيمُ الَّذي شَفَيْتَهُ

و آن بیماری هستم که تو شفایش بخشیدی

وَالسّائِلُ الَّذي أَعْطَيْتَهُ

و آن گدایی هستم که تو عطایش بخشیدی

وَالْمُذْنِبُ الَّذي سَتَرْتَهُ

و آن گناهکاری هستم که تو بر او پرده‌پوشی نمودی

وَالْخاطِئُ الَّذي أَقَلْتَهُ

و آن خطاکاری هستم که تو از او درگذشتی

وَأَنَا الْقَليلُ الَّذي كَثَّرْتَهُ

و آن کمی هستم که تو زیادش نمودی

وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذي نَصَرْتَهُ

و آن مستضعف و مغلوبی هستم که تو نصرت بخشیدی و یاری نمودی

وَأَنَا الطَّريدُ الَّذي آوَيْتَهُ

و آن رانده‌شده و آواره‌ای هستم که تو پناهش دادی

أَنَا يا رَبِّ الَّذي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلاءِ

پروردگارا، من آن کسی هستم که در خلوت و تنهایی از تو شرم نکردم

وَلَمْ أُراقِبْكَ فِي الْمَلاءِ

و در آشکارا و منظر دیگران تو را ملاحظه ننمودم و حقّت را رعایت نکردم

أَنَا صاحِبُ الدَّواهِي الْعُظْمى

منم صاحب مصیبت‌های بزرگ

أَنَا الَّذي عَلى سَيِّدِهِ اجْتَرى

منم آن کسی که بر آقای خود جرئت و جسارت نموده است

أَنَا الَّذي عَصَيْتُ جَبّارَ السَّماءِ

منم آن که پادشاه آسمان را نافرمانی کردم

أَنَا الَّذي أَعْطَيْتُ عَلى مَعاصِي الْجَليلِ الرُّشا

منم آن که برای نافرمانی خدای جلیل، رشوه‌ها دادم

أَنَا الَّذي حينَ بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ إِلَيْها أَسْعى

منم آن که چون مرا به معصیتی مژده دادند، بی‌درنگ به‌سویش شتافتم

أَنَا الَّذي أَمْهَلْتَني فَما ارْعَوَيْتُ

منم آن کسی که مهلتم دادی ولی از کردارم دست ‌نکشیدم

وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ

و بر گناهم پرده پوشاندی ولی شرم نکردم

وَعَمِلْتُ بِالْمَعاصي فَتَعَدَّيْتُ

و مرتکب گناه شدم و از حد گذراندم

وَأَسْقَطْتَني مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ

و [به‌واسطۀ این گناهان] مرا از چشمت انداختی با این‌حال باکی نداشتم

فَبِحِلْمِكَ أَمْهَلْتَني

ولی تو با بردباری‌ات مهلتم دادی

وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَني حَتّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَني

و با ستاریّت خود پوشاندی، تا آنجا که گویی از من غافل شده‌ای!

وَمِنْ عُقُوباتِ الْمَعاصي جَنَّبْتَني حَتّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَني

و مرا از کیفر گناهان معاف‌ داشتی تا آنجا که گویی تو از من حیا کرده‌ای!

إِلهي لَمْ أَعْصِكَ حينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جاحِدٌ

الهی، آنگاه که معصیتت کردم از روی انکار خداوندی‌ات نافرمانی‌ات نکردم

وَلا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ

و از روی استخفاف و سبک‌شمردن امرت نیز گناه نکردم

وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌّ

و نیز نمی‌خواستم [با جرئت] در مقابل عقوبتت سینه‌ سپر کنم

وَلا لِوَعيدِكَ مُتَهاوِنٌ

و نیز نمی‌خواستم وعدۀ مجازاتت را کوچک بشمارم

لكِنْ خَطيئَةٌ عَرَضَتْ

ولیکن آنچه کردم خطایی بود که از من سرزد

وَسَوَّلَتْ لي نَفْسي

و نفْسم آن را برایم آراست

وَغَلَبَني هَوايَ

و هوای نفْسم بر من غلبه کرد

وَأَعانَني عَلَيْها شِقْوَتي

و شقاوت و بدبختی‌ام نیز بر آن گناهان یاری نمود

وَغَرَّني سِتْرُكَ الْمُرْخى عَلَيَّ

و پرده‌پوشی همیشگی تو نیز مرا فریفتْ

فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخالَفْتُكَ بِجُهْدي

هرآینه من با تمام توان نافرمانی و مخالفت تو کردم

فَالْآنَ مِنْ عَذابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُني

پس با این حال چه کسی مرا از عذاب تو می‌رهاند؟!

وَمِنْ أَيْدي الْخُصَماءِ غَداً مِنْ يُخَلِّصُني

و فردا چه کسی مرا از دست ستیزه‌جویان و دشمنان خلاصی می‌دهد؟!

وَبِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّي

و اگر تو ریسمان خویش را از من بُریدی، به ریسمان چه کسی چنگ بزنم؟

فَواسَوْأَتا عَلى ما أَحْصى كِتابُكَ مِنْ عَمَلِيَ

پس چه رسوایی‌ای! از آنچه کتاب تو از اعمالم نوشته و برشمرده است

الَّذي لَوْلا ما أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِيّايَ عَنِ الْقُنُوطِ

آن اعمالی که اگر امید به کرم و سعۀ رحمت تو نداشتم و مرا از ناامیدی نهی نکرده‌بودی،

لَقَنَطْتُ عِنْدَما أَتَذَكَّرُها

هرگاه یاد آن‌ها می‌افتادم ناامید می‌شدم

يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ

ای بهترین کسی که دعاکننده‌ای او را می‌خواند

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ

و ای برترین کسی که امیدواری به او امید می‌بندد

أَللّهُمَّ بِذِمَّةِ الإِسْلامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

خداوندا، به پناه اسلام به‌سوی تو متوسل می‌شوم

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ

و به حرمت قرآن به‌سوی تو اعتماد می‌کنم

وَبِحُبِّيَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ الْهاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ التِّهامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ

و به محبتم نسبت به پیامبر مکتب‌نرفته و درس‌نخوانده که از قریش و بنی‌هاشم و عرب است و از تِهامه و مکه و مدینه است،

أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

[به حق این‌چنین پیامبری] امید دارم که به تو نزدیک شوم

فَلا تُوحِشِ اسْتِئْناسَ إِيمانِي

پس [لطف نما و] انس مرا که به‌جهت ایمانم به توست، به وحشت مبدّل مساز

وَلا تَجْعَلْ ثَوابي ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواكَ

ثواب و مزد مرا مانند مزد کسی که غیر تو را عبادت کرده است قرار مده

فَإِنَّ قَوْماً آمَنُوا بِأَلْسِنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِماءَهُمْ فَأَدْرَكُوا ما أَمَّلُوا

چه‌ اینکه گروهی به زبان ایمان آوردند تا جان خویش را حفظ نمایند، پس به آرزویشان رسیدند

وَإنّا آمَنّا بِكَ بِأَلْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنّا

ولی ما با زبان و قلب‌هایمان به تو ایمان آوردیم تا مورد عفو و بخشش تو قرار گیریم

فَأَدْرِكْنا ما أَمَّلْنا

پس ما را به آرزویمان برسان

وَثَبِّتْ رَجاءَكَ في صُدُورِنا

و امید به خودت را در سینه‌هایمان مستحکم و استوار فرما

وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا

و دل‌هایمان را پس از آنکه هدایتمان نمودی منحرف مساز

وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

و از ناحیۀ خود رحمتی به ما عنایت فرما

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ

که آن بخشایشگر بی‌حد همانا تو هستی

فَوَعِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ

که قسم به عزّتت اگر هم مرا از در لطف خویش بِرانی هرگز از درگاهت به جایی نمی‌روم

وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از لابه و التماس تو دست برنمی‌دارم

لِما أُلْهِمَ قَلْبي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ

چرا که معرفت به کرمت و وسعت رحمتت بر قلبم الهام شده

إِلى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلى مَوْلاهُ

[آری،] بنده جز به درگاه مولایش به کجا رود؟!

وَإِلى مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلى خالِقِهِ

و مخلوق جز که به خالق خود به کجا پناه بَرد؟!

إِلهي لَوْ قَرَنْتَني بِالأَصْفادِ

الهی، اگر مرا به بند کِشی

وَمَنَعْتَني سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الأَشْهادِ

و از میان حاضران [عرصۀ قیامت] عطای خویش را از من دریغ داری،

وَدَلَلْتَ عَلى فَضائِحي عُيُونَ الْعِبادِ

و رسوایی‌هایم را در برابر چشمان بندگانت عیان سازی،

وَأَمَرْتَ بي إِلَى النّارِ

و فرمان دهی که مرا به آتش ببرند،

وَحُلْتَ بَيْني وَبَيْنَ الأَبْرارِ

و میان من و نیکوان جدایی اندازی،

ما قَطَعْتُ رَجائي مِنْكَ

باز هم امیدم را از تو نخواهم بُرید

وَما صَرَفْتُ تَأميلي لِلْعَفْوِ عَنْكَ

و از امید عفو و بخششت منصرف نخواهم شد

وَلا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبي

و محبتت از دلم بیرون نخواهد شد

أَنَا لا أَنْسى أَيادِيَكَ عِنْدي

[ای خدای من،] هرگز الطاف تو را فراموش نخواهم کرد

وَسَتْرَكَ عَلَيَّ في دارِ الدُّنْيا

و پرده‌پوشی‌ات در دار دنیا نسبت به من را هرگز از یاد نخواهم بُرد.

سَيِّدي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قَلْبي

ای آقای من، محبت دنیا را از دلم بیرون نما

وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ الْمُصْطَفى وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و میان من و مصطفیٰ صلّی‌اللَـه‌علیه‌وآله‌وسلّم که برگزیدۀ آفریدگان تو،

وَخاتَمِ النَّبِيّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و خاتم پیامبران است و خاندان او جمع نما

وَانْقُلْني إِلى دَرَجَةِ الَّتوْبَةِ إِلَيْكَ

و مرا به درجه و مقام اهل توبۀ به درگاهت برسان

وَأَعِنّي بِالْبُكاءِ عَلى نَفْسي

و مرا بر گریه‌ کردن بر حال خود یاری فرما

فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْويفِ وَالْآمالِ عُمْري

زیرا من عمرم را با امروز و فردا کردن و با آرزوها[ی باطل] نابود ساختم

وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسينَ مِنْ خَيْري

و اکنون به جایی رسیده‌ام که دیگر از خیر خودم ناامید شده‌ام

فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حالاً مِنّي

پس حال و روز چه کسی از من بدتر است،

إنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلى مِثْلِ حالِي إِلى قَبْرٍ

اگر من با چنین حالی به قبرم وارد شوم؟!

لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتي

[قبری که] آن را برای خواب [ابدی‌ام] مهیا ننموده‌ام!

وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجْعَتي

و برای آرمیدنم فرشی از عمل صالح در آن نگسترده‌ام!

وَمالي لا أَبْكي وَلا أَدْري إِلى ما يَكُونُ مَصيري

و چگونه گریه نکنم در حالی‌ که نمی‌دانم عاقبتم چگونه است و به کجا می‌روم؟!

وَأَرى نَفْسي تُخادِعُني

و در حالی ‌که می‌بینم که نفْسم هر ‌دم برای فریب‌دادنم در تلاش است

وَأَيّامي تُخاتِلُني

و روزگار همواره در کمین نیرنگ من است

وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأسي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

و مرگ [همچون کرکسی] برفراز سرم در پرواز است

فَمالي لا أَبْكي

پس چرا گریه سر ندهم؟!

أَبْكي لِخُرُوجِ نَفْسي

گریه کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم

أَبْكي لِظُلْمَةِ قَبْري

گریه کنم بر تاریکی قبرم

أَبْكي لِضيقِ لَحْدي

گریه کنم برای تنگی لَحَدم

أَبْكي لِسُؤالِ مُنْكَرٍ وَنَكيرٍ إِيّايَ

گریه کنم برای سؤالی که مُنکر و نَکیر از من می‌کنند

أَبْكي لِخُرُوجي مِنْ قَبْري عُرْياناً ذَليلاً حامِلاً ثِقْلي عَلى ظَهْري

گریه کنم بر اینکه برهنه و ذلیل از قبرم بیرون آمده‌ام و بار سنگین اعمالم را بر پشت دارم

أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَميني وَأُخْرى عَنْ شِمالي

گاهی به جانب راست خود می‌نگرم و گاهی به جانب چپم

إِذِ الْخَلائِقِ في شَأنٍ غَيْرِ شَأني

آن‌گاه که خلایق هرکسی به کار خویش مشغول است

﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأنٌ يُغْنيهِ﴾

«هرکسی را در آن گرفتاری و کاری است که او را بس است»

﴿وُجوُهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ \* ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ \*﴾

«بعضی چهره‌ها [در آن روز] درخشان و نورانی ا‌ست و خندان و خوشحال!»

﴿وَوُجوُهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها غَبَرَةٌ \* تَرْهَقُها قَتَرَةٌ﴾ وَذِلَّةٌ

«و چهره‌هایی نیز غبار [تیره‌بختی] بر آنها نشسته و آنها را سیاهی [و ذلّت] در بر گرفته است!»

سَيِّدي عَلَيْكَ مُعَوَّلي وَمُعْتَمَدي وَرَجائي وَتَوَكُّلي

ای آقای من، اعتماد و تکیۀ من و امید و توکلم بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقي

و دست‌آویز من رحمت توست

تُصيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشاءُ

که تو هرکس را بخواهی مشمول رحمت خود می‌گردانی

وَتَهْدي بِكَرامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ

و هرکه را دوست داری به کرامت و بزرگی خود هدایت می‌کنی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى ما نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبي

پس ستایش مخصوص توست که قلبم را از شرک پاک نمودی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى بَسْطِ لِساني

و ستایش مخصوص توست بر گشودن زبانم

أَفَبِلِسانِي هذَا الْكالِّ أَشْكُرُكَ

پس آیا با این زبان الکنم شکر تو را به‌جای آورم؟!

أَمْ بِغايَةِ جُهْدي في عَمَلي أُرْضيكَ

و یا با نهایت توانم در عمل، خشنودی تو را به‌دست آورم؟!

وَما قَدْرُ لِساني يا رَبِّ في جَنْبِ شُكْرِكَ

که زبانم در مقابل شکر تو چه ارزشی دارد؟! [که زبانم کمتر از آن است که شکر تو را به‌جا آورَد]

وَما قَدْرُ عَمَلي في جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسانِكَ

و عملم در مقابل نعمت و احسان تو چه ارزشی دارد؟! [که تلاش و عمل من کمتر از آن است که در مقابل نعمت و احسان تو به شمار آید]

إِلهي إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي

الهی، جود و کرم تو [توقّع و] امیدم را بالا برده

وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلي

و همانا قدرشناسی توست که عمل [ناچیز] مرا پذیرفته است

سَيِّدي إِلَيْكَ رَغْبَتي

ای آقای من، میلم به‌سوی توست

وَإِلَيْكَ رَهْبَتي وَإِلَيْكَ تَأمِيلي

و ترسم از توست و امیدم به تو

وَقَدْ ساقَني إِلَيْكَ أَمَلي

و همانا امید مرا به درگاه تو کشانده

وَعَلَيْكَ يا واحِدي عَكَفَتْ هِمَّتي

و همّتم رَحل اقامت مرا به آستان تو نشانده، ای یگانه [مقصود] من!

وَفيما عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتي

و میلم به آنچه نزد توست فزونی یافت

وَلَكَ خالِصُ رَجائي وَخَوْفِي

و امید و ترس بدون شائبه‌ام همه برای توست

وَبِكَ أَنِسَتْ مَحَبَّتي

و محبتم به تو انس گرفته

وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدي

و به‌سوی تو دست [امید] خویش گشوده‌ام

وَبِحَبْلِ طاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتي

و به‌سوی طاعتت [دست] هراس خویش درآویختم

يا مَوْلايَ بِذِكْرِكَ عاشَ قَلْبي

ای مولای من، تنها به ذکر تو قلبم زنده است

وَبِمُناجاتِكَ بَرَّدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنّي

و با مناجات با تو درد ترس و هراس خود را تسکین داده‌ام

فَيا مَوْلايَ وَيا مُؤَمَّلي وَيا مُنْتَهى سُؤْلي

پس ای مولای من و ای آرزوی من و ای نهایت خواسته‌ام

فَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَ ذَنْبِيَ

بین من و گناهم جدایی افکن

الْمانِعِ لي مِنْ لُزُومِ طاعَتِكَ

گناهی که مرا از پایبندی طاعتت باز می‌دارد

فَإِنَّما أَسْأَلُكَ لِقَديمِ الرَّجاءِ فيكَ

که همانا درخواست من از تو تنها به‌خاطر امید دیرینه‌ام به توست

وَعَظيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ

و طمع بزرگی‌ است که از تو داشته‌ام

الَّذي أَوْجَبْتَهُ عَلى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأفَةِ وَالرَّحْمَةِ

[طمع داشته‌ام] آن رحمت و رأفَتی را که تو خودت بر خویشتن واجب نمودی

فَالأَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ

پس امر و فرمان از آن توست، یگانه‌ای و شریکی نداری

وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيالُكَ وَفي قَبْضَتِكَ

و خلایق همه عیال و جیره‌خوار تو و در قَبضۀ قدرت تواَند

وَكُلُّ شَيْءٍ خاضِعٌ لَكَ

و تمام موجودات در برابر تو خضوع و کُرنش نموده‌اند

تَبارَكْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ

بسیار بلند‌مرتبه و مبارکی ای پروردگار عالمیان

إِلهي ارْحَمْني إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتي

الهی، بر من رحم کن در آن ‌زمانی که دیگر دلیل و عذری ندارم

وَكَلَّ عَنْ جَوابِكَ لِساني

و زبانم از پاسخت درمانده و ناتوان گردد

وَطاشَ عِنْدَ سُؤالِكَ إِيّايَ لُبّي

و چون از من سؤال کنی، هوش از سرم برود

فَيا عَظيمَ رَجائي

پس ای امید بزرگ من

لا تُخَيِّبْني إِذَا اشْتَدَّتْ فاقَتي

آنگاه که فقر و بیچارگی‌ام شدت گیرد، ناامیدم مکن

وَلا تَرُدَّني لِجَهْلي

و به‌خاطر جهالتم مرا از درگاهت مَران

وَلا تَمْنَعْني لِقِلَّةِ صَبْري

و به‌خاطر کم‌طاقتی‌ام [در تحمل مشکلات راهت] از ورود من [به آستانۀ لطفت] جلوگیری نکن

أَعْطِني لِفَقْري

به‌خاطر تهی‌دستی‌ام به من عطا کن

وَارْحَمْني لِضَعْفي

و به‌لحاظ ناتوانی‌ام بر من ترحّم کن

سَيِّدي عَلَيْكَ مُعْتَمَدي وَمُعَوَّلي وَرَجائي وَتَوَكُّلي

ای آقای من، اعتماد و تکیۀ من و امید و توکلم فقط بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقي

و دست‌آویز من رحمت توست

وَبِفِنائِكَ أَحُطُّ رَحْلي

و بارِ خود را فقط به آستان تو فرود می‌آورم

وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتي

و با تمسّک به جود تو، به‌سوی مطلوب خود می‌روم

وَبِكَرَمِكَ أَيْ رَبِّ أَسْتَفْتِحُ دُعائي

و ای پروردگار من، با تکیه بر کرم و بزرگی تو، دعا و درخواستم را شروع می‌کنم

وَلَدَيْكَ أَرْجُو فاقَتي

و امید دارم تنگدستی‌ام را نزد تو برطرف سازم

وَبِغِناكَ أَجْبُرُ عَيْلَتي

و با توانگری و بی‌نیازی تو، نیازمندی‌ام را جبران می‌کنم

وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيامي

و در سایۀ عفو تو می‌ایستم

وَإِلى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصَري

و به‌سوی جود و کرم تو چشم دارم

وَإِلى مَعْرُوفِكَ أُديمُ نَظَري

و همواره به احسان تو می‌نگرم و چشم برنمی‌دارم

فَلا تُحْرِقْني بِالنّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلي

پس مرا به آتش مسوزان که تو محلّ آرزوی منی

وَلا تُسْكِنِّي الْهاوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْني

و مرا در دوزخ جای نده که تو روشنی چشم منی

يا سَيِّدي لا تُكَذِّبْ ظَنّي بِإِحْسانِكَ وَمَعْرُوفِكَ

ای آقای من، خوش‌گمانی مرا به احسان و نیکی‌ات از بین نبر و مرا ناامید مکن

فَإِنَّكَ ثِقَتي

زیرا تو محلّ اعتماد منی

وَلا تَحْرِمْني ثَوابَكَ فَإِنَّكَ الْعارِفُ بِفَقْري

و مرا از ثواب خودت محروم مکن که تو، به نداری‌ام آگاهی

إِلهي إِنْ كانَ قَدْ دَنا أَجَلي وَلَمْ يُقَرِّبْني مِنْكَ عَمَلي

الهی، اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده،

فَقَدْ جَعَلْتُ الاْعْتِرافَ إِلَيْكَ بِذَنْبي وَسائِلَ عِلَلي

پس همانا اعتراف به گناهانم را وسیله و عذری برای خودم قرارداده‌ام

إِلهي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلى مِنْكَ بِالْعَفْوِ

الهی، اگر تو عفو کنی، چه کسی از تو به عفو و بخشش سزاوارتر است؟!

وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ

و اگر عذاب کنی، چه کسی در داوری از تو عادل‌تر است؟!

ارْحَمْ في هذِهِ الدُّنْيا غُرْبَتي

در این دنیا بر غربت و تنهایی‌ام رحم کن

وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتي

و در هنگام مرگ بر گرفتاری‌ام ترحّم نما

وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتي

و در قبر بر تنهایی‌ام

وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتي

و در لَحَد بر غربت و هراسم

وَإِذا نُشِرْتُ لِلْحِسابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفي

و آن زمان که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم

به آن جایگاه ذلیلانه و عاجزانه‌ای که دارم رحم کن

وَاغْفِرْ لي ما خَفِيَ عَلَى الآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلي

و آنچه از کردارم بر انسان‌ها پوشیده مانده بیامرز

وَأَدِمْ لي ما بِهِ سَتَرْتَني

و آن پرده‌اى را كه بر اعمال و گناهانم انداختى، ادامه بده‏

وَارْحَمْني صَريعاً عَلَى الْفِراشِ تُقَلِّبُني أَيْدي أَحِبَّتي

و بر من ترحّم کن آنگاه که جسم بی‌جانم بر زمین افتاده و دستان عزیزان، مرا این‌طرف و آن‌طرف [جابه‌جا] می‌کند

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُني صالِحُ جيرَتي

و بر من تفضل کن در آن زمان که جسمم در غَسّال‌خانه دراز است و همسایگان صالح مرا زیر و رو می‌کنند

وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْموُلاً قَدْ تَناوَلَ الأَقْرِباءُ أَطْرافَ جَنازَتي

و بر من مِهر و عطوفت نما آن‌گاه که نزدیکانم اطراف جنازه‌ام را گرفته و بر دوش می‌کشند

وَجُدْ عَلَيَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحيداً في حُفْرَتي

و بر من کرم نما آن زمان که مرا می‌برند و یکّه و تنها در حفرۀ‌ قبرم نزد تو می‌آیم

وَارْحَمْ في ذلِكَ الْبَيْتِ الْجَديدِ غُرْبَتي

و در این خانۀ جدیدم بر غربتم رحم کن

حَتّى لا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ

تا آنکه به غیر تو انس نگیرم

يا سَيِّدي إِنْ وَكَلْتَني إِلى نَفْسي هَلَكْتُ

ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک می‌شوم

سَيِّدي فَبِمَنْ أَسْتَغيثُ إِنْ لَمْ تُقِلْني عَثَرْتي

آقای من، اگر تو از لغزشم نگذری، به چه‌ کسی استغاثه کنم و از که کمک بگیرم؟!

فَإِلى مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنايَتَكَ في ضَجْعَتي

و اگر در آرامگاهم از عنایت تو محروم باشم، به‌سوی که بگریزم؟!

وَإِلى مَنْ أَلْتَجِئُ إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتي

و اگر تو مرا از غم‌ و اندوهم رهایی ندهی، به چه‌ کسی پناه برم؟!

سَيِّدي مَنْ لي وَمَنْ يَرْحَمُني إِنْ لَمْ تَرْحَمْني

ای آقای من، اگر تو به من رحم نکنی، من که را دارم و چه ‌کسی بر من رحم خواهد کرد؟!

وَفَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فاقَتي

و اگر در روز تنگدستی‌ام از فضل و احسان تو محروم باشم، دیگر به فضل چه‌ کسی امید ببندم؟!

وَإِلى مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضى أَجَلي

و اگر مهلتم سر رسیده و اجلم فرا برسد، پس از گناهانم به‌سوی که بگریزم؟!

سَيِّدي لا تُعَذِّبْني وَأَنَا أَرْجُوكَ

آقای من، در حالی که من فقط به تو امید دارم، مرا عذاب نکن!

إِلهي حَقِّقْ رَجائي وَآمِنْ خَوْفي

الهی، امیدم را محقق کن و ترسم را ایمنی ده

فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبي لا أَرْجُو فيها إِلَّا عَفْوُكَ

که گناهانم بسیار است و امیدی جز عفو و بخشش تو ندارم

سَيِّدي أَنَا أَسْأَلُكَ ما لا أَسْتَحِقُّ

آقای من، از تو چیزی را درخواست می‌کنم که شایستگی‌اش را ندارم

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

و تو اهلیّت داری که بندگان را در عصمت خود درآوری و اهل غفران و بخششی

فَاغْفِرْ لي وَأَلْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً يُغَطّي عَلَيَّ التَّبِعاتِ

پس مرا بیامرز و از نظر رحمتت بر من لباسی بپوشان که گناهان و عواقبش را بپوشاند

وَتَغْفِرُها لي وَلا أُطالَبُ بِها

که آنها را بیامرزی و من نسبت به آنها بازخواست نشوم

إِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَديمٍ وَصَفْحٍ عَظيمٍ وَتَجاوُزٍ كَريمٍ

که منّت و لطف تو دیرینه است، و چشم‌پوشی‌ات عظیم و گذشت تو کریمانه

إِلهي أَنْتَ الَّذي تُفيضُ سَيْبَكَ عَلى مَنْ لا يَسْأَلُكَ

خدایا، تو همان کسی هستی که فیض و عطای خود را حتی بر آن کسی که از تو درخواست نمی‌کند فرو می‌باری

وَعَلَى الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

و حتی آن کسی را که مُنکر ربوبیّت و خدایی توست [مورد لطف خود قرار می‌دهی]

فَكَيْفَ سَيِّدي بِمَنْ سَأَلَكَ

پس ای آقای من، چگونه باشد حال آن کسی که از تو درخواست کرده،

وَأَيْقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالأَمْرَ إِلَيْكَ

و یقین دارد که خَلق به دست تو و امر همگان به‌سوی توست؟!

تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ

بس مبارک و بلندمرتبه‌ای ای پروردگار عالمیان

سَيِّدي عَبْدُكَ بِبابِكَ

ای آقای من، بنده‌ات به ‌درگاهت ایستاده

أقامَتْهُ الْخَصاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ

[بنده‌ای که] فقر و تنگدستی او را به درگاه تو آورده

يَقْرَعُ بابَ إِحْسانِكَ بِدُعائِهِ

با دعایش بر در احسان تو می‌کوبد

فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ عَنّي

پس تو هم روی کریمت را از من برنگردان

وَاقْبَلْ مِنّي ما أَقُولُ

و آنچه می‌گویم [و از تو می‌خواهم] قبول کن

فَقَدْ دَعَوْتُ بِهذَا الدُّعاءِ

زیرا من در حالی آمدم و دعا می‌کنم که امید دارم

وَأَنا أَرْجُو أَنْ لا تَرُدَّني

امید دارم که مرا برنگردانی

مَعْرِفَةً مِنّي بِرَأفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

زیرا رأفت تو را می‌شناسم و به رحمتت معرفت دارم

إِلهي أَنْتَ الَّذي لا يُحْفيكَ سائِلٌ

الهی، تو آن خدایی هستی که هیچ درخواست‌کننده‌ای [و هیچ خواهشی] تو را درمانده نمی‌سازد

وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ

و هیچ عطاگیرنده‌ای از تو نمی‌کاهد

أَنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ

تو چنانی که خود می‌گویی و والاتر از آنی که ما می‌گوییم

أَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ صَبْراً جَميلاً

بارالها! من از تو صبری جمیل و نیکو می‌خواهم

وَفَرَجاً قَريباً

و گشایشی نزدیک [می‌خواهم]

وَقَولاً صادِقاً

و گفتاری صادق [می‌خواهم]

وَأَجْراً عَظيماً

و جزایی عظیم [می‌خواهم]

أَسْأَلُكَ يا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ

پروردگارا، تمام خیر و خوبی‌ها را از تو درخواست می‌کنم

ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ أَعْلَمْ

چه آن خیر را بشناسم یا نشناسم

أَسْأَلُكَ اللّهُمَّ مِنْ خَيْرِ ما سَأَلَكَ مِنْهُ عِبادُكَ الصّالِحُونَ

بارالها! از تو درخواست می‌کنم بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته‌ات از تو خواسته‌اند

يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أَعْطى

ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود

أَعْطِني سُؤْلي في نَفْسي وَأَهْلي

خواسته‌ام را در حقّ خودم و خانواده‌ام به من عطا کن

وَوالِدَيَّ وَوُلْدِي وَأَهْلِ حُزانَتي وَإِخْواني فيكَ

و نیز در حقّ پدر و مادر و فرزندانم و خاصان و برادران دینی‌ام به من عطا فرما

وَأَرْغِدْ عَيْشي وَأَظْهِرْ مُرُوَّتي

و زندگی‌ام را گوارا کن و جوانمردی‌ام را آشکار ساز

وَأَصْلِحْ جَميعَ أَحْوالي

و همۀ احوالم را اصلاح فرما

وَاجْعَلْني مِمَّنْ أَطَلْتَ عُمْرَهُ

و مرا از جملۀ آنان قرار بده که عمرشان را طولانی کردی

وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ

و عملشان را نیکو گردانیدی

وَأَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ

و نعمتت را بر آنان تمام نمودی

وَرَضيتَ عَنْهُ

و از ایشان راضی و خشنود گشتی

وَأَحْيَيْتَهُ حَياةً طَيِّبَةً

و آنان را با زندگانی طیّب و پاک زنده گردانیدی

في أَدْوَمِ السُّرُورِ

زندگی‌ای در بادوام‌ترین خوشی‌ها

وَأَسْبَغِ الْكَرامَةِ

و با فراوان‌ترین کرامت و تفضّل‌ها

وَأَتَمِّ الْعَيْشِ

و با کامل‌ترین زندگی‌ها و خوشی‌ها

إِنَّكَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ

که تو هرچه بخواهی انجام ‌می‌دهی

وَلا تَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُكَ

و غیر تو هر کاری بخواهد نمی‌تواند انجام دهد

أَللّهُمَّ خُصَّني مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ

بارالها! مرا از زمرۀ خاصان برای ذکر و یادت قرار بده

وَلا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمّا أَتَقَرَّبُ بِهِ في آناءِ اللَّيْلِ وَأَطْرافِ النَّهارِ

و هیچ کاری را که در اوقات شب و روز برای تقرب به تو انجام می‌دهم،

رِياءً وَلا سُمْعَةً وَلا أَشَراً وَلا بَطَراً

برای ریا و شهرت و تفریح و تفرُّج قرار نده

وَاجْعَلْني لَكَ مِنَ الْخاشِعينَ

و مرا از خاکساران درگاهت بگردان

أَللّهُمَّ أعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالأَمْنَ فِي الْوَطَنِ

بارالها! گشایش در روزی و امنیت در وطن را به من عطا فرما

وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ

و اهل و مال و فرزند را مایۀ روشنی چشمم قرار بده

وَالْمُقامَ في نِعَمِكَ عِنْدي

و نعمت‌هایی که بر من ارزانی داشتی پایدار گردان

وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلامَةَ فِي الدّينِ

و تندرستی جسم و توانمندی در بدن و سلامت در دین را به من ارزانی فرما

وَاسْتَعْمِلْني بِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَداً مَا اسْتَعْمَرَتْني

و مرا همواره و تا زمانی که مرا عمر بخشیدی به طاعت خویش و طاعت رسولت محمد صلّی‌اللَـه‌علیه و آله عامل گردان‌

وَاجْعَلْني مِنْ أَوْفَرِ عِبادِكَ عِنْدَكَ نَصيباً

و مرا از پُربهره‌ترین بندگان نزد خودت قرار بده

في كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ في شَهْرِ رَمَضانَ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ

پُربهره‌تر در هر خیری که در ماه رمضان در شب قدر نازل کرده و می‌کنی

وَما أَنْتَ مُنْزِلُهُ في كُلِّ سَنَةٍ

و هر خیری که در هر سال نازل خواهی‌ کرد

مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها

پرُبهره از رحمتی که می‌گسترانی

وَعافِيَةٍ تُلْبِسُها

و لباس عافیتی که [بر بندگانت] می‌پوشانی

وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُها

و بلاهایی که برطرف می‌سازی

وَحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها

و کارهای خوبی که [از بندگان] قبول می‌کنی

وَسَيِّئاتٍ تَتَجاوَزُ عَنْها

و کارهای زشتی که از آنها درمی‌گذری

وَارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ

و حجّ خانۀ مقدس خود را روزی من قرار بده

في عامِنا هذا وَفي كُلِّ عامٍ

در این سال و در هر سال

وَارْزُقْني رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ

و از فضل بی‌حدّ خود روزی فراخ به من ارزانی ده

وَاصْرِفْ عَنّي يا سَيِّدي الأَسْواءَ

و بدی‌ها را ــ ای آقای من ــ از من برگردان

وَاقْضِ عَنِّيَ الدَّيْنَ وَالظُّلامَاتِ

و بدهی مرا بپرداز و جبران ستم‌هایی را که بر عهدۀ من است، بنما

حَتّى لا أَتَأَذّى بِشَيْءٍ مِنْهُ

تا از ناحیۀ هیچ‌یک از آنها اذیت نشوم و صدمه نبینم

وَخُذْ عَنّي بِأَسْماعِ وَأَبْصارِ أَعْدائي وَحُسّادي وَالْباغينَ عَلَيَّ

و چشم و گوش دشمنان و حسودان و ظالمان مرا را از سمت من برگردان

وَانْصُرْني عَلَيْهِمْ

و مرا در برابر ایشان یاری فرما

وَأَقِرَّ عَيْني

و چشمم را روشن کن

وَفَرِّحْ قَلْبي

و دلم را شادی بخش

وَاجْعَلْ لي مِنْ هَمّي وَكَرْبي فَرَجاً وَمَخْرَجاً

و از غم‌ و‌ اندوه و گرفتاری‌ها، گشایش و راه خلاصی برای من قرار بده

وَاجْعَلْ مَنْ أَرادَني بِسُوء مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ

و آن‌کسی که قصد بدی نسبت به من داشته‌باشد زیر پایم قرار بده

وَاكْفِني شَرَّ الشَّيْطانِ وَشَرَّ السُّلْطانِ وَسَيِّئاتِ عَمَلِي

و مرا از شرّ شیطان و شرّ سلطان و شرّ اعمال بَدَم محفوظ بدار

وَطَهِّرْني مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّها

و از همۀ گناهان مرا پاک گردان

وَأَجِرْني مِنَ النّارِ بِعَفْوِكَ

و به عفو خویش از آتش دوزخ امانم بده

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و به‌ رحمت خویش مرا به بهشت وارد کن

وَزَوِّجْني مِنَ الْحُورِ الْعينِ بِفَضْلِكَ

و مرا به ‌فَضل خویش از حورالعین تزویج بفرما

وَأَلْحِقْني بِأَوْلِيائِكَ الصّالِحينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و مرا به اولیای شایسته‌ات، محمد و آل او ملحق گردان

الأَبْرارِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الأَخْيارِ

آنان که پاکیزه و طاهر و برگزیده‌اند

صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَعَلى أَجْسادِهِمْ وَأَرْواحِهِمْ

صلوات و درود تو بر ایشان و بر بدن‌ها و ارواح آنان باد

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و رحمت و برکات خداوندی نیز بر ایشان باد

إِلهي وَسَيِّدي وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ

ای معبود و ای آقای من، به عزت و جلال و عظمتت قسم،

لَئِنْ طالَبَتْني بِذُنُوبي لَأُطالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

که اگر مرا به گناهانم بازخواست نمایی هرآینه از تو عفو و بخششت را مطالبه می‌کنم

وَلَئِنْ طالَبَتْني بِلُؤْمِي لَأُطالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ

و اگر از من به فرومایگی‌ام مؤاخذه نمایی، هرآینه از تو کرم و بزرگی‌ات را‌ مطالبه می‌نمایم

وَلَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النّارَ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النّارِ بِحُبّي لَكَ

و اگر مرا به دوزخ اندازی هرآینه به اهل دوزخ خواهم گفت که تو را دوست دارم

إِلهي وَسَيِّدي إِنْ كُنْتَ لا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيائِكَ وَأَهْلِ طاعَتِكَ

ای معبود و ای آقای من، اگر تو جز اولیاء و دوستان و اهل طاعتت را نمی‌بخشی،

فَإِلى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ

پس گناهکاران به چه‌کسی پناه بَرند؟

وَإِنْ كُنْتَ لا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفاءِ بِكَ

و اگر تو فقط اهل وفا را گرامی می‌داری،

فَبِمَنْ يَسْتَغيثُ الْمُسْيؤُونَ

پس بدکاران از چه‌کسی یاری طلبند؟

إِلهي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النّارَ فَفي ذلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ

الهی، اگر مرا در دوزخ اندازی، دشمن تو شاد می‌شود

وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفي ذلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ

و اگر مرا به بهشت ببری، پیامبر تو خرسند می‌گردد

وَأَنَا وَاللهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ

و قسم به خدا می‌دانم که خرسندی پیامبرت از دلشادی دشمنت نزد تو محبوب‌تر است.

أَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلأَ قَلْبي حُبّاً لَكَ

بارالها! از تو می‌خواهم که قلبم را از محبتت آکنده سازی

وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْديقاً بِكِتابِكَ

و از ترس و خَشیَت از تو و باور به کتابت لبریز گردانی

وَايماناً بِكَ وَفَرَقاً مِنْكَ وَشَوْقاً إِلَيْكَ

و از ایمان به تو و هراس از تو و اشتیاق به تو پُر کنی

يا ذَا الْجَلالِ وَالإِكْرامِ

ای صاحبِ جلالت و لطف و عنایت

حَبِّبْ إِلَيَّ لِقاءَكَ وَأَحْبِبْ لِقائِي

عشق دیدارت را در قلب من قرار بده و تو نیز دوستدار دیدار من باش

وَاجْعَلْ لي في لِقائِكَ الرّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرامَةَ

و برای من در لقای خویش، راحتی و گشایش و کرامت قرار بده

أَللّهُمَّ أَلْحِقْني بِصالِحِ مِنْ مَضى

بارالها! مرا به بندگان صالح درگذشته ملحق گردان

وَاجْعَلْني مِنْ صالِحِ مَنْ بَقِي

و از زمرۀ بندگان صالحِ بازمانده قرار بده

وَخُذْ بي سَبِيلَ الصّالِحينَ

و مرا در راه بندگان صالحت پایدار گردان

وَأَعِنّي عَلى نَفْسي بِما تُعينُ بِهِ الصّالِحينَ عَلى أَنْفُسِهِمْ

و همان‌گونه که بندگان صالح را در برابر نفْس امّاره یاری می‌کنی، مرا نیز در برابر نفْسم یاری فرما

وَاخْتِمْ عَمَلي بِأَحْسَنِهِ

و کردارم را به بهترین وجه به سرانجام رسان

وَاجْعَلْ ثَوابي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و به حقّ رحمتت، پاداش مرا از کردارم بهشت قرار بده

وَأَعِنّي عَلى صالِحِ ما أَعْطَيْتَني

و یاری‌ام کن تا نعمت‌هایت را که بر من ارزانی داشتی، شایسته به کار بندم

وَثَبِّتْني يا رَبِّ

بار پروردگارا، و مرا [در مسیرت] ثابت‌قدم و استوار گردان

وَلا تَرُدَّني في سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَني مِنْهُ

و مرا به مَهلکه‌ای که از آن نجات دادی باز مگردان

يا رَبَّ الْعالَمينَ

ای پروردگار عالمیان

أَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ إيْماناً لا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقائِكَ

بارالها! همانا از تو ایمانی مسئلت دارم که آن را سرانجام و پایانی جز لقای تو نباشد

أَحْيِني ما أَحْيَيْتَني عَلَيْهِ

مرا تا زمانی زنده بدار که حیات من بر ایمان باشد

وَتَوَفَّني إِذا تَوَفَّيْتَني عَلَيْهِ

و جان مرا بستان، اگر جانم را بر همان ایمان می‌ستانی

وَابْعَثْني إِذا بَعَثْتَني عَلَيْهِ

و در قیامت از قبر محشور گردان، اگر بر ایمان محشور می‌گردانی

وَأَبْرِئْ قَلْبي مِنَ الرِّياءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ في دينِكَ

و قلبم را از ریا و شک و شهرت‌طلبی در دینت پاک گردان

حَتّى يَكُونَ عَمَلي خالِصاً لَكَ

تا تمام عملم بی‌هیچ شائبه‌ای خالص برای تو باشد

أَللّهُمَّ أَعْطِني بَصيرَةً في دينِكَ

بارالها! بصیرت و بینشی عمیق در دینت به من عطا فرما

وَفَهْماً في حُكْمِكَ

و ادراکی را در احکام و دستوراتت

وَفِقْهاً في عِلْمِكَ

و فهمی را در علمت

وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

و بهره‌ای دوچندان از رحمتت

وَوَرَعاً يَحْجُزُني عَنْ مَعاصيكَ

و تقوایی که مرا از معصیت‌ها و گناهان بازدارد

وَبَيِّضْ وَجْهي بِنُورِكَ

و رخسارم را به نور خودت سفید گردان

وَاجْعَلْ رَغْبَتي فيما عِنْدَكَ

و میل و رغبت مرا در آن‌چیزی که نزد توست قرار بده

وَتَوَفَّني في سَبيلِكَ وَعَلى مِلَّةَ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و مرا در راه خودت و بر آیین پیامبرت صلّی‌اللَـه‌علیه‌و‌آله بمیران

أَللّهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ

بارالها! به تو پناه می‌برم از تنبلی و از ضعف و سستی

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ

و از همّ و غم و از ترسان بودن و بخیل بودن

وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

و از غفلت و قساوت قلب

وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفاقَةِ

و از بینوایی و فقر و فلاکت

وَكُلِّ بَلِيَّة وَالْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ

و از هر بلایی و از هر کار زشت آشکار و پنهانی

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَقْنَعُ

و به تو پناه می‌برم از نفْسی که قانع نمی‌شود

وَبَطْنٍ لا يَشْبَعُ

و شکمی که سیر نمی‌گردد

وَقَلْبٍ لا يَخْشَعُ

و قلبی که خاشع و فروتن نمی‌شود

وَدُعاءٍ لا يُسْمَعُ

و دعایی که شنیده و مستجاب نمی‌شود

وَعَمَلٍ لا يَنْفَعُ

و عملی که سودی نمی‌دهد

وَأَعُوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلى نَفْسي وَديني وَمالي

پروردگارا، و برای حفظ جان و دین و مالم

وَعَلى جَميعِ ما رَزَقْتَني

و هرآنچه روزی من فرمودی

مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ

از شرّ شیطان رجیم به تو پناه می‌برم

إِنَّكَ أَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ

که همانا تو شنوا و دانایی

أَللّهُمَّ إِنَّهُ لا يُجيرُني مِنْكَ أَحَدٌ

خداوندا، به‌درستی که احدی مرا از [قهر] تو پناه نمی‌دهد

وَلا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً

و جز تو پناهگاهی نمی‌یابم

فَلا تَجْعَلْ نَفْسي في شَيءٍ مِنْ عَذابِكَ

پس نفْسم را در هیچ موقفی از عذابت قرار نده

وَلا تَرُدَّني بِهَلَكَةٍ وَلا تَرُدَّني بِعَذابٍ أَليمٍ

و در هیچ مهلکه و عذاب دردناکی مَیَفکن

أَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّي

بارالها! عملم را بپذیر

وَأَعْلِ ذِكْري

و نام و یادم را بلند گردان

وَارْفَعْ دَرَجَتي

و مرتبه‌ام را رفیع ساز

وَحُطَّ وِزْري

و وِزر و سنگینی [گناهان و تعلّقات] مرا بریز

وَلا تَذْكُرْني بِخَطِيئَتي

و مرا با خطا و اشتباهاتم به یاد نیاور

وَاجْعَلْ ثَوابَ مَجْلِسي وَثَوابَ مَنْطِقي وَثَوابَ دُعائي رِضاكَ وَالْجَنَّةَ

و پاداش [به دعا] نشستنم و گفتار و دعای مرا خشنودی‌ات و بهشت قرار بده

وَأَعْطِني يا رَبِّ جَميعَ ما سَأَلْتُكَ

پروردگارا، تمامی آنچه را از تو خواستم، به من عطا فرما

وَزِدْني مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل و کرمت نیز بر آن بیفزا

إِنّي إِلَيْكَ راغِبٌ يا رَبَّ الْعالَمينَ

که من به‌سوی تو راغب و مشتاقم، ای پروردگار عالمیان

أَللّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ في كِتابِكَ أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا

بارالها! همانا تو در کتابت بر ما امر خویش را نازل نمودی که از کسانی که بر ما ستم نموده‌اند درگذریم

وَقَدْ ظَلَمْنا أَنْفُسَنا فَاعْفُ عَنّا

و [اینک این ما هستیم که] بر خود ستم نموده‌ایم پس [تو نیز] از ما درگذر

فَإِنَّكَ أَوْلى بِذلِكَ مِنّا

که تو از ما، بدان سزاوارتری که چنین کنی

وَأَمَرْتَنا أَنْ لا نَرُدَّ سائِلاً عَنْ أَبْوابِنا

و فرمانمان دادی که سائلی را [دست‌خالی] از درِ خانۀ خود نرانیم

وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلاً

و من اینک سائل، به درِ خانۀ تو آمده‌ام

فَلا تَرُدَّني إِلَّا بِقَضاءِ حاجَتي

پس مرا حاجت‌ناروا از درت برنگردان

وَأَمَرْتَنا بِالإِحْسانِ إِلى ما مَلَكَتْ أَيْمانُنا

و ما را فرمان دادی که در حقّ بردگانمان نیکی نماییم

وَنَحْنُ أَرِقّاؤكَ فَأَعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النّارِ

و [اینک] ما بندگان و بردگان تو هستیم، پس ما را از دوزخ برَهان

يا مَفْزَعي عِنْدَ كُرْبَتي

ای پناه من به وقت گرفتاری‌ام

وَيا غَوْثي عِنْدَ شِدَّتي

ای فریادرسم به‌وقت دشواری‌ها و سختی‌‌ام

إِلَيْكَ فَزِعْتُ

ترسان به‌سوی تو آمدم

وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ

و از تو فریادرسی خواستم و به تو پناه آوردم

لا أَلُوذُ بِسِواكَ

و به غیر تو پناه نمی‌برم

وَلا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

و گشایش را از غیر تو درخواست نمی‌کنم

فَأَغِثْني وَفَرِّجْ عَنِّي

پس به فریادم برس و در کارم گشایش قرار بده

يا مَنْ يَفُكُّ الأَسيرَ

اي خدايي كه اسير را آزاد مي‌كند

وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ

و از [گناه] بسیار در‌می‌گذرد

إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ

از من [هم] عمل اندکم را بپذیر

وَاعْفُ عَنِّي الْكَثيرَ

و از گناه بسیارم درگذر

إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحيمُ الْغَفُورُ

که تو بسیار مهربان و آمرزنده‌ای

أَللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ إيْماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي

بارالها! از تو ایمانی می‌خواهم که به‌وسیلۀ آن قلبم را لمس نمایی

وَيَقيناً حَتّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا ما كَتَبْتَ لي

و از تو یقینی راستین می‌خواهم تا بدانم که به من نمی‌رسد، جز آنچه تو برایم مقدر نموده‌ای

وَرَضِّني مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لي

و مرا در زندگانی به آنچه قسمتم نمودی راضی گردان

يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان.

1. . آیۀ 32 سورۀ مبارکۀ نساء [↑](#footnote-ref-1)
2. . آیۀ 29 سورۀ مبارکۀ نساء [↑](#footnote-ref-2)